

دکتر رابرت یاربرو، نامه های کشیشی، جلسه ۱۰،

دوم تیموتائوس ۲:۲۲-۱۷:۳

© ۲۰۲۴ رابرت یاربرو و تد هیلدبرانت

این دکتر رابرت دبلیو. یاربرو است در تدریس خود درباره نامه های شبانی و آموزش رسولی برای رهبران شبانی و پیروانشان. جلسه ۱۰، ۲ تیموتائوس ۲:۲۲-۱۷:۳.

ما به بررسی نامه های شبانی و دستورالعمل های رسولی برای رهبران شبانی و پیروانشان ادامه می دهیم.

و اکنون با فصل ۲ تیموتائوس، آیه ۲۰ شروع می کنیم. و این بخشی از دوم تیموتائوس است که طبق عنوان NIV، پولس با معلمان دروغین سر و کار دارد. و در آیات ۲۰ و ۲۱، او یک استعاره کوچک دارد، درست مثل اوایل فصل، او استعاره سرباز و ورزشکار و کشاورز را داشت.

حالا او یک استعاره درباره، می توان گفت، قابلمه ها یا سطل های زباله یا ظروف دارد. او می گوید در یک خانه بزرگ اشیایی وجود دارد، نه تنها از طلا و نقره، و می توانیم آن ها را به عنوان ظرف های محفظه در نظر بگیریم، بلکه از چوب و خاک رس نیز ساخته شده اند. برخی برای اهداف خاص و برخی برای استفاده عمومی هستند.

پس می توانید به گلدان یا گلدان برای گل فکر کنید. شاید نقره ای باشد. این یک هدف خاص است.

اما بعد هم سطل زباله وجود دارد، که برای استفاده رایج است. این همان چیزی است که در یک خانه بزرگ وجود دارد. انواع مختلفی از ظروف وجود دارد.

کسانی که خود را از دومی و استفاده عمومی پاک می کنند، ابزارهایی برای اهداف خاص خواهند بود، مقدس ساخته شده، مفید برای ارباب و آماده انجام هر کار نیکوکاری. سپس به تیموتائوس رو می کند و می گوید: از خواسته های بد جوانی فرار کن و به دنبال عدالت برو. ما قبلا این الگو را دیده ایم.

از اینجا فرار کن، اما دنبال آن برو. من آن را اخلاق مثبت می نامم. تو جسم را تحقیر می کنی، نه فقط با انکار اشتباه، بلکه با روی گردانی از آن، توبه کردن سریع و دنبال کردن خیر ها.

در پی عدالت، ایمان، محبت و صلح باشید، همراه با کسانی که از دل پاک خداوند را فرا می خوانند. به عبارت دیگر، به کلیسا به کامل ترین معنا بپیوندید. به کسانی بپیوندید که قلب پاک دارند.

عیسی، خوشبخت ها پاک دل ها هستند. به مردم خدا در جستجوی خدا بپیوندید. هیچ ارتباطی با بحث های احمقانه و احمقانه نداشته باشید، چون می دانید که باعث دعوا می شود.

و بنده خداوند نباید دعوا کند، بلکه باید با همه مهربان باشد، قادر به آموزش باشد و کینه توز نباشد. وای، چقدر سخت است، اما همین است. حریفان باید به آرامی آموزش داده شوند.

در واقع، فکر می کنم حداقل یک ضرورت پنهان وجود دارد، اما همان طور که هست می پذیریم. مخالفان باید با ملایمت آموزش داده شوند به امید اینکه خداوند به آن ها توبه عطا کند و آن ها را به شناخت حقیقت برساند و به عقل بیایند و از دام شیطان که آن ها را اسیر کرده تا اراده اش را انجام دهد، فرار کنند. مشاهدات ما، و من صفحه ام را اینجا تقسیم می کنم تا بتوانیم آیه و مشاهده را هم ببینیم.

تقریباً رسیدیم. باشه، مشاهده. وقتی آیات ۲۰ و ۲۱ را می خوانم، به اول قرن‌تین ۱۲ فکر می کنم، جایی که پولس می گوید ما اعضای بدن هستیم، و تو گوش داری، و چشم داری، و گوش به چشم نمی گوید: من به تو نیاز ندارم، و چشم به پا نمی گوید، من به تو نیاز ندارم.

همه ما به هم نیاز داریم. و بعد جلوتر می رود و می گوید، آن بخش هایی از بدن وجود دارد که درباره شان صحبت نمی کنیم، اما آن ها هم کاملاً ضروری اند. و بنابراین، او می گوید که در کلیسا باید درک کنیم که باید همه اعضای بدن مسیح را تأیید کنیم.

و روی صفحه نمایش، عبارت «همه نوع را می گیرد» به کار بردم. گاهی در انگلیسی آمریکایی، فردی مشکوک یا حاشیه ای می بینیم، اما متوجه می شویم که آن ها هم بخشی از این ماجرا هستند. و ما می گوییم، خب، همه نوع آدم لازم است.

مردم، جامعه از انواع مختلف مردم تشکیل شده است. کلیسا از انواع افراد تشکیل شده است. اما پولس در آیات ۲۰ و ۲۱ می گوید: باید تلاش کنیم گلدان گل باشیم نه سطل زباله.

آیه ۲۰، کسانی که خود را از استفاده عمومی پاک می کنند، ابزارهایی برای اهداف خاص خواهند بود که مقدس و مفید برای مردم ساخته شده اند، و او اینجا واژه «مستبد» را به کار می برد، چون درباره ارباب خانه صحبت می کند. او یک تشبیه می سازد، مفید برای استاد و آماده برای هر کار خوب، یا حداقل NIV می گوید، آماده انجام هر کار خوبی. پس این موضوع هنوز معلق مانده.

این خودش یک پاراگراف جداگانه است. اما فکر می کنم چیزی که هست، یک استعاره است. این یک تشبیه است که زمینه را برای فصل ۲۲ و بعد از آن آماده می کند.

او به تیموتی خواهد گفت، خودت را برای اهداف خاص پاک کن. اجازه دهید در تعهد به خدا و قداست خود دوباره تأیید شوید. پس، فرار کن و تعقیب کن.

و قبلاً هم گفته ام، ما با راه رفتن در روح و نه فقط با اجتناب از گناه، جسم را انکار و نافرمانی می کنیم. از نظر عملی، شما یک فرزند دارید، یک دانش آموز دارید و کسی را دارید که در کلیسا با او کار می کنید. خیلی وقت ها مردم با ضعف ها دست و پنجه نرم می کنند و راهی که برای فیض پیدا می کنند این است که آیا می توانید راهی پیدا کنید تا انرژی ای که صرف کرده اند را به سمت منفی هدایت کنند.

چطور می توانید این انرژی را به سمت مثبت به کار بگیرید؟ چون گناه انگیزه ای است که خدا داده و به شکل نادرست استفاده می شود. و اغلب نمی توان انگیزه را انکار کرد. آنجاست.

این بخشی از آرایش توست. خب، چطور می توانیم اون انگیزه رو به اهداف مقدس تبدیل کنیم؟ و عیسی گفت: آرزوی فرار از جنجال، خوشا به حال صلح طلبان. و گاهی واقعا باید خودمان را ترک کنیم.

در واقع، بل می گوید هیچ ربطی به بعضی چیزها ندارد. پس گاهی باید یک موقعیت را ترک کنیم. از این نظر، باید از آن فرار کنیم.

وقتی یوسف از همسر پوتیفار فرار کرد، اوضاع خوب بود. اما انگیزه ای که ما را به انجام کارهای بد وادار می کند، می تواند به سمت خوبی هدایت شود. و سپس، آن انرژی برای فرار به سوی تیموتی در برخی موارد باید

دوباره به کار گرفته شود تا مقاومت کند، محکم بایستد و به کسانی که توسط این معلمان دروغین آسیب می بینند، دخالت کند.

پس در این شورا حکمت و زیرکی زیادی وجود دارد تا از خواسته های شوم جوانی فرار کند و این انگیزه ها را از قلب پاک به سوی خدا برگرداند. سوم اینکه، مدیریت تعارض کار دشواری است. و از آیه ۲۳ به بعد، درگیری داریم.

ما بحث های احمقانه و احمقانه ای داریم که باعث دعوا می شود. و مدیریت تعارض نیازمند دانش برای آموزش است. خدمتگزار ارباب نباید دعوا کند اما با همه مهربان باشد.

این چه شکلی است؟ توانایی آموزش داشتن. می دانید کسانی که در مسیر اشتباهی هستند، بگذارید بگویم تا حدی نیت خوبی دارند، چطور می توان آن ها را منحرف کرد؟ خب، عیسی چه کرد؟ او چیزهای زیادی به آن ها آموخت. او دستور داد.

پس می توانیم همزمان با این ها آموزش بدهیم، و بعد چیزهایی داریم که همیشه با تدریس ترکیب نمی شوند. یعنی، گاهی معلم ها خیلی سخت گیر هستند. و گاهی معلمان نسبت به دانش آموزانشان بی تفاوت هستند.

آن ها عمدتاً به موضوع خود علاقه مندند. دانش آموزان باید هرچه می توانند یاد بگیرند. خب، آن ها باید همراه با خویشتن داری و مهربانی و آزادی از کینه و مهربانی و شفقت تبلیغی که ممکن است محصول تبدیل را برداشت کنند، آموزش دهند.

هدف، رستگاری مردم است. مردم، اگر آن قدر گمراه شده اند که ممکن است گم شوند، مخالف انجیل هستند. هدف ایجاد فضایی است به امید اینکه خدا به آن ها توبه عطا کند.

این نیاز به عشق زیادی دارد. برای اینکه واقعا خواهان توبه مخالفان انجیل باشیم، نیاز به فیض خداوند دارد. فکر کردن آسان است که اگر ثابت کنم اشتباه می کنند، کارم را انجام داده ام.

و به همه نشان می دهم، اگر خودم را نشان دهم، این می تواند وسوسه شود. اما وقتی حتی هفته مصائب عیسی را مطالعه می کنید وقتی مخالفت با عیسی مطرح می شد، او هنوز با مردم به طور رستگاری آمیز سخن می گفت. او مردم را محکوم نمی کرد.

۱ پطرس این موضوع را بزرگ نمایی می کند که وقتی مورد توهین قرار گرفت، توهین نکرد. او جایگاه خود را به عنوان معلم و چوپان حفظ کرد. و او خود را به خدا سپرد تا کار درست را انجام دهد.

این دقیقاً همان چیزی است که پولس اینجا می گوید و او آن را به زبانی متفاوت نسبت به کشیشی به نام تیموتی بیان می کند. اما تصویری بسیار شبیه مسیح از کسی وجود دارد که دعوا نمی کند، اما مهربان و قادر به آموزش است و کینه ندارد. و من این کلمه خویشتن داری را به کار می برم چون اغلب آن را ندارم.

وقتی این را می خوانم، از برخی تبادلاتی که می دانم بخشی از آن ها بوده ام و به زندگی ام نگاه می کنم، شرمنده ام. چیزهایی گفته ام، چیزهایی نوشته ام، واکنش هایی داشته ام که درست نبوده اند. و آن ها مولد نیستند.

شاید الان حس خوبی داشته باشند، اما مولد نیستند. پس این ها چیزهایی هستند که وقتی پولس درباره برخورد با معلمان دروغین صحبت می کند، بسیار مهم هستند. حالا به فصل سوم می رویم، اما هنوز تحت عنوان معلمان دروغین هستیم.

NIV می گوید، اما این را یادداشت کنید، و این یکی از پنج یا شش کاربرد کلمه «بدان، بدان، این را در یونانی» است. در روزهای آخر روزهای وحشتناکی خواهد بود. و این دوباره یادآور اول تیموتائوس است و روزهای آخر اکنون است.

مردم خواهند بود، و ما می توانیم بگوییم و هستند، عاشق خودشان، عاشق پول، متکبر، مغرور، سوءاستفاده گر، نافرمان از والدینشان، ناسپاس، ناپاک، بی محبت، بی رحم، نه عاشق خوب، خائن، عجولت، مغرور، عاشق لذت نه عاشق خدا، که همه چیز را خلاصه می کند. عاشقان خودشان، دوستداران لذت نه دوستداران خدا، نوعی خداپرستی دارند اما قدرت آن را انکار می کنند. و آن کلمه خدایی که در روستاییان می بینیم وجود دارد.

و آنچه پولس اینجا می گوید این است که انجیل نوعی پارسایی را به همراه دارد. این ویژگی وفاداری به خدا را به همراه دارد که منجر به رفتاری بسیار متفاوت از این می شود. وقتی مردم می گویند به عیسی مسیح، مصلوب و برخاسته ایمان دارند، این نوع ویژگی ها باید در زندگی شان نسبتاً نادر باشد.

احتمالاً همه ما با تعدادی از آن ها دست و پنجه نرم می کنیم، اما این نباید ویژگی غالب زندگی ما باشد در حالی که در ایمان مسیحی رشد می کنیم. اما پل می گوید این را به خاطر بسیار. این را یادداشت کن.

این را یادداشت کن. زمانی خواهد رسید که مردم، و فکر می کنم او افراد مرتبط با کلیسا را هم شامل می کند، به همین دلیل به کشیش هشدار می دهد. مردم همه این نشانه های منفی را خواهند داشت، اما چون در کلیسا هستند، این نوعی خداپرستی است.

این ذات من است و به کلیسا می روم. و آن ها قدرت خدایی ای را که ادعا می کنند انکار می کنند. و او می گوید هیچ ربطی به چنین افرادی ندارد.

از چنین افرادی دوری کنید. و بعد به توصیف بیشتری می پردازد. آن ها از آن دسته افرادی هستند که به خانه ها نفوذ می کنند و کنترل زنان ساده لوحی را که پر از گناه و تحت تأثیر انواع امیال شیطانی قرار دارند، به دست می آورند.

همیشه در حال یادگیری بود، اما هرگز نتوانست حقیقت را بشناسد. و این ها زنانی هستند که هرگز نمی توانند حقیقت را بدانند، و همچنین معلمانی که آن ها را گمراه می کنند و هرگز به حقیقت نمی رسند. همان طور که جنیس و جامبر با موسی مخالفت کردند، این معلمان نیز با حقیقت مخالفت کردند.

و این ها شخصیت هایی در ادبیات یهودی هستند که موسی در برابر فرعون ظاهر می شد و بلاهای مختلفی در راه بود و جادوگران تلاش کردند اثرات بلاها را از نفرین هایی که موسی به نام خدا می خواند، استخراج کنند. جنیس و جامبرس دو شخصیتی بودند که گفته می شد در برابر موسی و مقابل خدا در برابر فرعون بودند. و او این افراد را به جنیس و جامبر در زمان موسی تشبیه می کند.

آن ها مردانی با ذهن های فاسد هستند که از نظر ایمان، طرد می شوند. اما او می گوید آن ها خیلی جلو نخواهند رفت چون همان طور که در مورد آن مردان، یعنی جنیس و جامبرس، اشتباهشان برای همه آشکار خواهد شد. پس بیابید ببینیم آیا می توانیم از روی برخی مشاهدات این موضوع را درک کنیم یا نه.

در این آیات چیزهای زیادی هست. یکی از چالش های خدمت، همذات پنداری با گناهکاران در جهان است. عیسی با گناهکاران همذات پنداری می کرد.

او را دوست گناهکاران می نامیدند و این تعریف نبود. او غسل تعمیدی دریافت کرد که برای بخشش گناهان بود. او با اسرائیل گناهکار همذات پنداری می کرد.

نه، او هرگز گناه نکرد. او به یحیی، تعمیددهنده، گفت: اجازه بده تعمید مرا انجام دهم، و آن هم به زبان یک ترجمه، زیرا این گونه شایسته است که همه عدالت را انجام دهیم. این باید اتفاق بیفتد.

باید با اسرائیل گناهکار همذات پنداری کنم تا هدف خدا در زندگی و خدمتم تحقق یابد. و بنابراین، ما عیسی را می بینیم که با زن سامری و کسانی که حتی بیشتر از هر چیزی که او نمایندگی می کرد، متنفر بودند، یعنی مأموران مالیات، معاشرت می کند. او نشست و با جمع آورندگان مالیات، از همه چیز، غذا خورد.

او با گناهکاران همذات پنداری می کرد. اما خطر این است که ما با آن دنیای ناپاک سازگار شده ایم. این همان خطر است.

و من این را برای وزرا در نظر می گیرم. من کشیشی را می شناسم که به خاطر مجرد بودنش خودکشی کرد. چند سال پیش وارد وزارت HIV شد.

او در ارتباطش با افراد این جامعه HIV دچار مشکل شده بود. و وقتی پای حواسش وسط بود، نباید جانش را می گرفت، اما این راه حلش برای شرمندگی اش بود. و کشیشان، و حتی هر کسی که بخواهد شاگرد بسازد، چه کسی را شاگردی می کنید؟ شما گناهکاران را شاگردی می کنید.

و با مردم ارتباط برقرار می کنی و با آن ها دوست می شوی. و اگر مسیحی باشید، احتمالا در برخی مناطق در تقدس رشد کرده اید و مثل آن ها زندگی نمی کنید، و خطر این است که به سمت آن ها سوق پیدا کنید. بنابراین، پولس بر شخصیت افرادی تأکید می کند که در نهایت وارد کلیسا می شوند و قطعا خارج از کلیسا نیز رایج هستند و به دنبال داشتن دین هستند.

آن ها نوعی خدایی دارند، اما قدرت را انکار می کنند. فرقی نمی کند که آن ها داخل کلیسا باشند یا خارج از آن، واقعا مهم نیست. پولس می گوید: به عنوان یک کشیش، این ها را رفقای خود نسازید.

و امروز به این فکر می کنم چون مشکل ما نه تنها با افرادی که قبلا در کلیسا به آن ها می گفتیم دنیوی هستند، گاهی با زندگی های ناپاک قابل توجه، مواجه هستیم و با این حال آن ها را در کلیسا پیدا می کنیم و به دنبال کمک نیستند. آن ها دنبال تأیید هستند. اما همچنین جنبش هایی خارج از کلیسا وجود دارند که کلیسا را متهم می کنند که وظیفه اش را انجام نمی دهد، پس آن ها کار کلیسا را بهتر از آنچه کلیسا می تواند انجام دهد، انجام می دهند.

من به برجسب سپر ماشین فکر می کنم که دیگر زیاد نمی بینیم، اما قبلا برجسبی به نام «Deed Before Creed» وجود داشت. و این یعنی من نمی خواهم دور کلیسا بایستم و چیزهایی را که باور دارم بگویم. مهم این است که بیرون بروی و دنیا را تغییر بدهی.

و من در یک مدرسه الهیات پرسبیتی تدریس می کنم و اگر پژوهشگر فرقه ها باشید، می دانید که پرسبیتین ها بخشی از میراثی به نام میراث اصلاح شده هستند و میراث اصلاح شده به خاطر دیدگاهی که کلیسا به کلیسا می پردازد و کلیسا نمی خواهد از جهان بیرون بیاید، بلکه جهان را دگرگون کند، شناخته شده است. ما می خواهیم پادشاهی خدا، حاکمیت خدا، رستگاری خدا را به هر گوشه، هر وجب مربع جهان گسترش دهیم. فکر می کنم این فلسفه ای شریف است.

اما مشکل اینجاست که خطر این همه شناسایی وجود دارد چون نمی توانی چیزی را که ارتباطی با آن نداری تغییر دهی. برای درگیر شدن باید با او ارتباط برقرار کنی. باز هم، عیسی مجبور بود با گناهکاران تماس بگیرد، اما اجازه نداد توسط آن ها گمراه شود یا توسط همه مخالفانش که بحث و تلاش برای فریب دادن او را داشتند، قانع شود.

هیچ وقت نمی گویی که چیزی می دانی، حق با توست. می خواهیم فیلمنامه ام را کمی تغییر دهیم. او می دانست چه چیزی باید حفظ شود و همین کار را کرد.

ما همیشه این کار را نمی کنیم، پس به این احتیاط نیاز داریم. همچنین می توانید این را بخوانید، این را فهرست ردایل می نامند و در ادبیات باستان، نویسندگان زیادی این فهرست ها را نوشته اند. می توانید از آن ها برای خشمگین شدن از فساد مردم استفاده کنید، اما باید این را به صورت تشخیصی بخوانید و بگویید، مثل شاگردان در شام آخر، خداوندا، آیا منم؟ چون حداقل اینجا و آنجا خودم را می بینم.

و احتمالا خدا می تواند مرا در هر یک از این موارد ببیند. پس باید از این ها به عنوان ابزارهایی برای تأمل در راه هایمان استفاده کنیم و صادق باشیم، مثل افترا. آیا اخیرا درباره کسی حرف افترا زده ایم؟ تهمت یکی از رایج ترین گناهان در خدمت است چون در خدمت باید با مردم سر و کار داشته باشی، و اگر کارمند داری باید درباره مردم صحبت کنی، و خیلی خیلی آسان است که به سمت ترور شخصیت، حدس و گمان درباره انگیزه ها و گفتن حرف های زشت برویم چون خوب، ما این شخص را دوست نداریم.

حفظ تقدس در نگرش و گفتار واقعا سخت است وقتی با مشکلاتی که دیگران دارند دست و پنجه نرم می کنید، چون خودبرتربندی ما باعث می شود احساس بهتری داشته باشیم و تا حدی وقتی دیگران را تحقیر می کنیم، احساس بهتری داشته باشیم. این فقط یک مثال است. می توانیم پنج یا ده دقیقه درباره هر یک از این مسائل صحبت کنیم و اینکه چقدر همه ما نسبت به آن ها حساس هستیم.

دوم اینکه، به لطف خداوند و رهبری وفادار شبان، رهبری خردمندانه و خیانت حيله گر، یانس و جامبرس قرار است افراد حيله گر و خائن باشند. خیانت حيله گرانه مخالفان و استثمارگران انجیل می تواند افشا و خنثی شود و هیچ ارتباطی با این افراد ندارد. می تونی تیموتی، رو به عنوان خدایی جعلی شناسایی کنی.

شاید کمی دقت لازم باشد، اما به ویژه با تجربه ای که یاد می گیریم. ما یاد می گیریم و این به این معنا نیست که در عوض بدجنس می شویم. او قبلا گفته است که این روش ارتباط با کسانی است که مخالف انجیل هستند و باید جدایی وجود داشته باشد، هیچ ربطی به چنین افرادی ندارد.

اما از سوی دیگر، اینجا یک خدمت مثبت در افشا و خنثی کردن اثر آن ها وجود دارد. و فکر نمی کنم درباره بقیه این ماجرا زیاد توضیح داده باشم، جز اینکه یک نکته درباره ۶:۳ تا ۹ می گویم چون اشاره دارد که این نوعی زبان ملایم است، آن ها قرار بوده وارد خانه شوند و کنترل زنان ساده لوح را به دست بگیرند، و بعد اینجا خواسته های شیطانی ظاهر می شوند. این تقریبا به چیزی شبیه زنا یا فعالیت های غیرقانونی اشاره دارد.

و اگر برای مسیحیت جهانی به خدا فریاد نمی زدیم، درباره وضعیت فرهنگی مان صادق نبودیم، چون ۶۰٪ مسیحیت جهان که در کتاب ها ثبت شده، از نظر اعداد کاتولیک است و کاتولیک های سراسر جهان باید بدانند که چقدر گناه جنسی در کشیشی وجود داشته است. این را با خوشحالی نمی گویم، فقط می گویم چیزی عمیقا، عمیقا نکوهیده در چشم خدا وجود دارد، و ما درباره هزار یا دو هزار نفر صحبت نمی کنیم، بلکه درباره ده ها هزار کشیش و کشیش در نسل های اخیر در سراسر جهان، در غالب ترین دین مسیحی

اعترافی جهان صحبت می کنیم. حالا، من کاتولیک نیستم و نگران آموزه های کاتولیسزم هستم چون فکر نمی کنم به طور کلی به کتاب مقدس وفادار باشد.

من نمی گویم مسیحیان کاتولیک وجود ندارد، فقط می گویم بسیاری در کلیسای کاتولیک انجیل را نمی شنوند، و این موضوع در بسیاری از نقاط جهان رسوایی عمومی بوده است، که واتیکان هم اذعان کرده، که ما با مشکل کشیش هایی روبرو هستیم که با پسران یا زنان به شیوه هایی درگیر می شوند که نباید. اما این مشکل در کلیساهای پروتستان هم وجود دارد. این مشکل در کلیساهای لیبرال است و در کلیساهای محافظه کار.

اگر مدت زیادی در خدمت باشید، با این موقعیت ها روبرو خواهید شد. تو در کلیسا خواهی بود و متوجه می شوی که این کلیسا تاریخچه ای دارد. یک کارمند کلیسا بود که با کسی رابطه داشت که نباید با او می خوابید.

گاهی افراطی است، گاهی چند زن که با همان یا با اعضای مختلف کارکنان کلیسا رابطه داشته اند. پس این کمی مبهم و بیگانه به نظر می رسد، و بعد موسی را داریم، و این نوع ژانس و جامبر اسطوره ای را داریم، و خیلی چیزها اینجا مبهم است، اما برای ما خیلی خیلی گرافیکی است، و ما در فرهنگی بسیار حسی زندگی می کنیم که حتی اگر مردم از نظر جسمی وفادار باشند، مشکل کل اینترنت و مشکل اعتیاد به پورن از طرف کسانی است که وقت زیادی برای حضور در اینترنت دارند، و این شامل بسیاری از کارکنان کلیسا هم می شود، و آن ها قلب خود را پوسیده اند و شخصیت شان را با گناه جنسی در غیاب نابود می کنند. فقط مجازی است.

اما خدا قلب را می شناسد و احتمالاً دست کم در بسیاری از بخش های غرب، ناتوانی موعظه و پوچی آمادگی برای موعظه بیشتر به لاحکی روح و قلب ناشی از فساد آنچه مردم آنلاین نگاه می کنند نسبت داده می شود. فقط با توجه به آنچه خوانده ام و حتی درباره دانشجویان حوزه علمیه، این مشکل بزرگی است که شخصیت کسانی را که خداپرستی را تضعیف می کنند، تضعیف می کند. ممکن است طلبه باشند، یا کشیش باشند، یا استادان حوزه علمیه باشند، اما نمی توانند از این اعتیاد رهایی یابند.

آن ها قدرتی را که عیسی را از مردگان برخاسته انکار می کنند. رستاخیز عیسی از مردگان، اما من نمی توانم پورنوگرافی را کنار بگذارم. یه چیزی اونجا درست نیست.

پس این ها کلمات بسیار، بسیار قدرتمندی برای یک کلیسا هستند و دنیای مجازی همه جا حضور دارد. یعنی می توانید به جاهایی بروید که برق ندارند، اما حتی جاهایی که برق ندارند، بسیاری از آن ها کلکتور خورشیدی دارند و بنابراین حتی اگر خطوط انتقال نداشته باشند، هنوز برق دارند. و آنچه من می گویم این است که انحطاطی که ما با غرب مرتبط می دانیم، در واقع انحطاط تمام بشریت است.

سوءاستفاده از پسران در افغانستان و دیگر کشورهای مسلمان واقعیت دارد، و این به خاطر اسلام نیست، بلکه به خاطر آدم و حوا و گناه است، و شکل فساد در مردان و زنان بیان خواسته ها در جهت های اشتباه است. و وقتی درباره مردان و زنان صحبت می کنید، خب، واضح است که این موضوع به کجا می رسد. پس همه این ها درباره مقابله با معلمان نادرست و آموزه های نادرست بود.

اکنون به حمله نهایی به تیموتائوس می پردازیم که این موضوع از فصل ۳، آیه ۱۰ آغاز می شود. و فکر می کنم وقت داریم آن را تمام کنیم و همچنان این سخنرانی را به مدت قابل مدیریت داشته باشیم. اما شما، و این کاملاً قابل توجه است.

او به ندرت از ضمیر شخصی استفاده می کند. او مجبور نیست این کار را بکند چون در یونانی، فعل ضمیر را در خود داشت. اما گاهی واقعا می گوید سیگما، آپسیلون، سو.

اما شما همه چیز را درباره آموزه هایم، سبک زندگی ام، هدفم، ایمانم، صبرم، عشق، استقامت و آزار و اذیت ها می دانید. خیلی خوشحالم که اینجا قرار ندادند. رنج.

او فقط به خاطر انجیل ارتباطش با زندگی اش را خالی می کند. و آنچه او اینجا می خواهد بگوید این است که انجیل برای من تفاوت شب و روز ایجاد کرد. هرچند دردناک بود، اما عاشق چیزی بودم که ایجاد می کرد.

چیزهایی که در انطاکیه، ایکونیوم و لسترا برایم اتفاق افتاد، آزار و اذیت هایی که تحمل کردم. این موضوع به ویژه قابل توجه است چون همه این مکان هایی که او ذکر کرده، همه جاهایی هستند که تیموتی در آن ها بزرگ شده است. پس، تیموتی پسری در لیسترا بود، تا جایی که ما می دانیم.

و انطاکیه، آن انطاکیه پیسیدی است، آن انطاکیه در سوریه نیست، پایتخت استان روم که بر اورشلیم و یهودیه و سامره و دکاپولیس و همه آن مناطق نظارت داشت. در دوران باستان حدود دوازده انطاکیه وجود داشت. پس این انطاکیه در پیسیدیا است و انطاکیه ای که مانند ورودی به استان رومی گالاتیا بود.

و ایکونیوم و لیسترا در این استان رومی گالاتیا قرار داشتند. و همان جا بود که پولس و بارنابا در اولین سفر تبلیغی خدمت کردند. و به یاد دارید در اولین سفر تبلیغی در اعمال رسولان ۱۳ و ۱۴، پولس و برنابا چند سالی خدمت کردند.

اما هرچه بیشتر خدمت می کردند، به کنیسه ها می رفتند و عیسی را موعظه می کردند و پیروان خوبی پیدا می کردند. اما هرچه بیشتر خدمت می کردند، مخالفان یهودی بیشتر علیه آن ها بسیج می شدند. و در نهایت، پل را سنگسار کردند و رهایش کردند تا بمیرد.

آن ها او را از شهر بیرون کشیدند و سنگسار کردند و گفتند ما او را کشته ایم. و شاید هم همینطور بوده باشد. ما از زبان نمی دانیم که آیا او زنده شده یا نه.

اما او عملا مرده بود. و می گوید خداوند مرا از همه آن ها نجات داد. در بخش قبلی، او درباره همه اتفاقات بدی که در جهان رخ داده صحبت کرده است.

اما حالا درباره آموزش صحبت می کند. این آموزه ای بود که او را از یک کفرگو، فردی خشونت طلب و قاتل تغییر داد. او دقیقا مثل همان آدم هایی بود که همین الان گفت، هیچ ربطی به این افراد ندارند.

حالا او برمی گردد و می گوید، پیامی وجود دارد که مردم را تغییر می دهد تا بتوانند زندگی هایی داشته باشند که خدا را جلال دهد و من دارم A را نشان می دهم. و سپس در آیه ۱۲ آن را گسترش می دهد. در واقع، همه، و زبان یونانی بیشتر، هر کسی که بخواهد در مسیح عیسی زندگی خدایی داشته باشد، مورد آزار و اذیت قرار خواهد گرفت. و NIV این را کمی گسترش می دهد.

هر کسی که بخواهد زندگی خدایی در مسیح عیسی داشته باشد، مورد آزار و اذیت قرار خواهد گرفت. در مقابل، شرورها و متقلب ها از بد به بدتر می روند. افرادی که کارهای بد انجام می دهند و کسانی که وانمود می کنند مسیحی هستند یا وانمود می کنند خداپرست هستند اما نیستند، آن ها از بدی به بدتر از فریب دادن و فریب خوردن تبدیل خواهند شد.

اما در مورد تو، این هم تیموتی در این میان. او می تواند شکل خدایی را بدون قدرتش ببیند. او می تواند ببیند که شروران و جعل کنندگان از بدی به بدتر می روند.

او می تواند فریبکاران و فریب خورده ها را ببیند. و بعد می تواند پل را ببیند. سپس می تواند مسیح را ببیند که پولس را حمایت کرد.

و او باید مدام تصمیم بگیرد که من می خواهم در کدام طرف ماجرا باشم؟ و پولس می گوید، اما درباره تو، که تو را به ۱۰:۳ بازی گرداند، اما تو، آیه ۱۴، ادامه آنچه آموخته ای و به آن ایمان آورده ای. چون کسانی را می شناسی که از آن ها یاد گرفته ای. آن ها بخشی از سنتی محترم بودند که به فراخواندن ابراهیم توسط خدا و وعده های عهد خدا به داوود بازی گشت.

شما می دانید که از چه کسی آن ها را آموخته اید و چگونه از کودکی با کتاب مقدس آشنا شده اید که می توانند شما را برای نجات از طریق ایمان به مسیح عیسی خردمند کنند. می دانید، آن کلام تورات، آن کلام پیامبران، آن کلام مزامیر همان طور که خوانده می شد، همان طور که بیان می شد، همان طور که در کنیسه خوانده می شد، همان طور که در زمان غذا و آیین های خانه های عهد عتیق خوانده می شد، خدا خود را بدون شاهد نمی گذاشت و حتی پیش از آمدن عیسی، بقایایی در میان قوم خدا وجود داشت. آن ها منتظر تسلی اسرائیل بودند.

آن ها منتظر تحقق وعده های خدا بودند و او، تیموتائوس، برکت حضور در چنین خانه ای را داشت. و بنابراین، از کودکی، او با این حقایق رستگاری آموخت که می تواند شما را برای نجات از طریق ایمان به مسیح عیسی دانا کند. آن ها تا اولین سفر تبلیغی مسیح عیسی را نداشتند.

اما آن ها وعده خدا را داشتند که قرار بود در مسیح عیسی تحقق یابد و آن هم به همان اندازه خوب بود. روح هایشان نیز به همان اندازه نجات یافته بود. و تیموتی در این نسل گذار شگفت انگیز همراه با مادر و مادر بزرگش است.

آن ها یهودیان پارسا بودند که منتظر وعده خدا بودند. مسیحیان می توانستند بگویند که نجات یافته اند. آن ها نجات یافتند.

آن ها قلب هایی داشتند که، همان طور که مزامیر می گوید، مرا قلبی پاک آفریدند، ای خدا. آن ها پاکسازی وعده خدا را داشتند و من به روح خدا ایمان دارم. اما حالا مسیح آمده و بنابراین، می توانید به خدمت نجات بخش مسیح و عروج او نگاه کنید و پولس درباره قدرت کتاب مقدس تأمل می کند، و آیا خوشحالیم که این در کتاب مقدس آمده است؟

این فقط با استنباط از آنچه درباره کتاب مقدس می بینیم، درست است. اما این بیانیه ای بسیار صریح درباره الهام بخشی کتاب مقدس است. الهام از آن کلمه می آید، «خدا نفس کشیده»، که واقعا به معنای الهام گرفتن نیست.

یعنی توسط خدا بازدم شده یا از خدا. اما به ویژه در سنت لاتین، inspire واژه ای مبتنی بر لاتین است. این کلمه وارد زبان انگلیسی شد و، می دانی، اشکالی ندارد.

اما به اندازه این تصویر گرافیکی نیست که خدایی وجود دارد که به طور قابل فهم با مردم سخن می گوید و با بازدم کلامش سخن می گوید. نمی تواند ارگانیک تر باشد، نمی تواند بیشتر با خدایی که آن را می دهد مرتبط باشد. و قطعاً به این معنا نیست که افراد الهام گرفته وجود داشته اند.

بلکه می گوید کلمات روی صفحه توسط خدا نفس کشیده شده اند. و این برای همه کتاب مقدس صدق می کند، بعضی ها می خواهند آن را تفسیر کنند. هر کتاب مقدسی که از خدا الهام گرفته شده است، بازدم می شود.

نه. تمام کتاب مقدس این جایگاه را دارد که کلام تنفسی نوشته شده خدا است و برای آموزش، سرزنش و اصلاح مفید است. در یونانی برای آموزش و درستکاری وجود ندارد.

Yit نوعی کاربرد چهارگانه دارد. فکر نمی کنم جامع باشد اما قطعاً نماینده و غنی است. تا با نتیجه، با نتیجه، بنده خدا، شما دختران، ترجمه کنید تا مرد خدا، برای هر کار نیکی کاملاً مجهز شود.

من تمایل دارم آن را «مرد خدا» ترجمه کنم چون فکر می کنم او می خواهد تیموتائوس به خودش اعمال شود و او قبلاً در پایان اول تیموتائوس او را مرد خدا نامیده است. اما NIV نمی خواهد این کلمه خیلی جنسیتی به نظر برسد و قطعاً کلمه آنجا می تواند به معنای شخص خدا هم باشد. پس آن ها به جای انسان یا انسان، «خدمتکار» را ترجمه می کنند.

تا بنده خدا برای هر کار نیک کاملاً مجهز باشد. ما پیش از هر چیز، وفاداری رسولان را به لطف و نجات خدا می بینیم که در خدمت معبد برای همه شاگردان آینده، به ویژه رهبرانی مانند تیموتائوس، است. می خواهیم بگویم که در آیات ۱۰ تا ۱۱ پولس خودستایی نمی کند.

پولس به تیموتائوس یادآوری می کند که خدا او را از چه چیزهایی عبور داده چون خدا باید تیموتائوس را از برخی مشکلات عبور دهد و پولس آنجا نخواهد بود تا او را تشویق کند و برایش دخالت کند. پس مهم است که با وجود دردناک بودن آن، تیموتی به آن فکر کند. و توجه کنید که پولس نمی گوید که می دانید مسیح روی صلیب مرد و من همه این چیزها را گذراندم و بعضی ها را برای مردن رها کردم.

اما اکنون در کلیسا عیسی ما را از این وضعیت نجات می دهد. آنچه او می گوید این است که هر کسی که آرزوی زندگی خدایی در مسیح عیسی را دارد، روز غم و اندوه خود را خواهد داشت. روز رد شدن خودت را خواهی داشت.

شاید روز دستگیری ات را داشته باشی. شاید روز خودت را داشته باشی، فصلی از چه کسی می داند؟ چه کسی می داند؟ از کشیشان سراسر جهان پرسید که الان در زندان هستند یا نیستند. وقتی در کشوری بودم و نیروهای امنیتی سخت گیری کردند، مترجمم را دستگیر کردند.

و او فقط یک عضو مذهبی کلیسا بود. اما به مدت ۴۰ روز هیچ نمی دانست او کجاست. و این بسیار، بسیار تاریک بود.

او فقط ترجمه می کرد تا مردم بتوانند سخنرانی هایم را به آن زبان بفهمند. اما خدا او را نجات داد. ما دهم و ۱۱ را می خوانیم و چیزی هست که باید به یاد داشته باشیم و در واقع این عامل در سراسر شهادت رسولی است اما ما چیزی می دانیم، نامی برایش می گذاریم که آن ها نامی برایش نداشتند و آن را PTSD می نامیم.

اختلال استرس پس از سانحه. حالا فکر می‌کنم فیض خدا آنقدر در زندگی پولس مؤثر بود که نشانه‌های زیادی از اختلال او نمی‌بینم. اما کسانی که چیزهایی مثل پل را تجربه کرده‌اند، از نظر عاطفی و روانی تحت تأثیر قرار گرفته‌اند.

و می‌تواند آن‌ها را تحریف و تحریف کند، اما همچنین می‌تواند منبعی از خرد عمیق و اصالت عمیق باشد. پل دیوانه نبود. و همان طور که نباید اخراج را رمانتیک کنیم، نباید آزار و رنج هیچ را به خاطر آسیب رساندن رمانتیک کنیم.

و به لطف خدا، ممکن است از آن‌ها جان سالم به در ببریم و روزی دیگر بجنگیم و شاید در برخی جهات انسان‌های بهتری برای آن‌ها باشیم اما آن زخم‌ها را با خود خواهیم داشت. و من در کنار افرادی بوده‌ام که شکنجه شده‌اند و می‌دانید، آن‌ها افراد بسیار خداپرست و بسیار پربار در پادشاهی خدا هستند، اما تاریکی‌ای وجود دارد که فیض خدا به آن خدمت می‌کند اما بسیار دردناک است. و آن‌ها را در معرض خطر فلج بی‌حرکتی قرار می‌دهد.

اگر اجازه می‌دادند خودشان وارد وضعیتی شوند که هنگام شکنجه در آن بودند. در یک مورد می‌دانم که من به آن رسیدگی می‌کردم و چشمان یک نفر به آن سمت رفت و دیگری به سمت دیگری، و می‌شد فهمید که مشکلی وجود دارد و گاهی در جلسات ما، او فقط بلند می‌شد و شروع به جیغ زدن می‌کرد. اولش خیلی ترسیده بودم اما مردم فقط او را پایین می‌کشیدند و دستشان را دورش می‌انداختند و با او صحبت می‌کردند.

بالاخره، بعد از چند روز گفتم می‌دونی اون شخص چه مشکلی داره؟ خب، آن‌ها او را به شدت شکنجه دادند و دیگر هرگز واقعا حالش خوب نشد. وقتی آن بخش سوم قرن‌تین دوم یا سوم قرن‌تین را می‌خوانید، در دوم قرن‌تین ۱۱ حدود آیه ۳۶ یا حدود فصل ۱۲ می‌بینید که پولس سه بار کتک خورده، مثلاً ۳۹ شلاق. او سنگسار شد و رها شد تا بمیرد.

او خیلی چیزها را پشت سر گذاشت و در آن‌ها وفادار بود. خدا او را از این مشکلات عبور داد، نه بدون هزینه عاطفی و روانی. اما این را می‌گویم چون ما را به چالش می‌کشد که این موضوع را جدی بگیریم.

اول اینکه وارد منطقه‌ای شده ایم که در آن تعداد زیادی مسیحی همیشه کشته می‌شوند و اگر به این‌ها گوش دهید، ممکن است در بخشی از جهان باشید که مسیحیان دستگیر و کشته می‌شوند و ما به شدت نیاز داریم که تأثیر کامل این شهادت را که خدا می‌تواند ما را عبور دهد، دوباره به دست آوریم و نه اینکه آن را رمانتیک کنیم، بلکه بپذیریم که تحمل و پذیرش این موضوع چقدر وحشتناک است ما به فیض خدا برای شجاعت نیاز داریم. ما به فیض خدا نیاز داریم تا آماده باشیم تصمیماتی را بگیریم که از آن‌ها می‌ترسیم ما را به رویارویی با مقامات بکشاند. این برای ما خوشایند نخواهد بود اما متوجه می‌شویم که چاره‌ای نداریم.

خداوند ما را هدایت می‌کند و ما می‌توانیم آن را پیش‌بینی کنیم. ما نمی‌خواهیم به آنجا برسیم اما اگر برسد، خدا به ما کمک کند که آماده باشیم. ما نمی‌خواهیم نام عیسی را با انکار او به خاطر ترس از درد یا ترس از رنج، شرم‌منده کنیم.

پس فکر می‌کنم او این موضوع را توضیح می‌دهد و برای تیموتی خیلی واضح است، مخصوصاً اگر تیموتی در آن منطقه کودک بوده و شنیده باشد و شاید ما ندانیم. او می‌گوید تو همه چیز را درباره آموزش من و آزار و اذیت‌هایم و اتفاقاتی که در منطقه خودت برایت می‌افتد می‌دانی. شاید مادرش، مادر بزرگش، شاید تیموتی او را در حال مست شدن دیده باشند.

اما فکر می‌کنم این موضوع گرافیکی است و الگویی برای همه شاگردان آینده، به ویژه در مورد آیه ۱۲، است، چون همه مسیحیان می‌توانند انتظار داشته باشند که نوعی مخالفت شایسته برچسب آزار و اذیت در مسیر مسیحی شان باشد. و در برخی فراخوان ها و برخی موقعیت ها این می‌تواند مکرر باشد، می‌تواند مزمن و شدید باشد. می‌تواند کشنده باشد.

در همین حال، شروران ممکن است پیشرفت کنند. کسانی که مسیحیان را لو می‌دهند، کسانی که مسیحیان را در برخی کشورها که مخفیانه ملاقات می‌کنند لو می‌دهند و سپس خبرچین ها همیشه به دنبال فرصت هایی برای پیدا کردن این افراد هستند چون اگر گزارش دهند پاداش می‌گیرند. به نظر منصفانه نمی‌آید اما واقعیت همین است.

در نهایت، کتاب مقدسی که ما به عنوان هر دو عهد عتیق و عهد جدید می‌شناسیم، مدت هاست که افکار و زندگی مؤمنان خدا را هدایت کرده اند. وقتی به دنیای مدرن نگاه می‌کنید و تحقیر گاهی حتی در کلیسا نسبت به کتاب مقدس، بخش هایی از کتاب مقدس که کلیسا دوست ندارد و هرگز درباره شان نمی‌شنوید، واقعا شگفت انگیز است. یا آن را تغییر می‌دهند.

من کتابی دارم به نام، خب، اسمش کتاب مقدس است اما توسط چیزی مثل کمیته برابری کتاب مقدس یا چیزی شبیه به آن ترجمه شده است. و این گروهی از کاتولیک ها هستند که انتصاب همجنس گرایان و زنان را تأیید می‌کنند و کل کتاب مقدس را ترجمه کرده اند اما کلمه «خداوند» در آنجا وجود ندارد. این یک کتاب مقدس است که کلماتش اینطور نیستند، همه آن ها کلمات سیاسی درست هستند.

پس دیگر عیسی پسر خدا نیست و چیزهای زیادی وجود دارد. او دیگر لرد نیست، چیز دیگری است. کتاب مقدس در دنیای مدرن در کلیسا کم ارزش شمرده می‌شود اما برای پولس، طناب نجات خدمت وفادارانه است.

تیموتائوس باید در این میراث دیدگاه والا نسبت به کلام مکتوب خدا ادامه دهد. از کودکی، کتاب مقدس را می‌شناختی. این می‌تواند شما را برای نجات از طریق ایمان به مسیح عیسی خردمند کند.

به همین دلیل است که در بهترین حالت، کتاب مقدس هفته به هفته در کلیسا بسیار ارزشمند و گرامی داشته می‌شوند. این یک سنت مرده نیست. می‌دانی که این کمبود خلاقیت نیست.

مسئله این نیست که چرا نمی‌توانیم کار دیگری برای انجام دادن پیدا کنیم؟ این مثل یک فعالیت تصادفی نیست که کلیسا به نحوی به آن گیر کرده باشد. مثل این است که پطرس در یوحنا فصل ۶ به عیسی بگوید وقتی عیسی می‌گوید: آیا تو هم مرا ترک خواهی کرد؟ و پطرس می‌گوید: خداوند، به سوی چه کسی برویم؟ تو کلمات زندگی جاودان را داری. و هیچ منبع دیگری برای نجات انسان ها وجود ندارد.

چه درباره ابتدا صحبت کنیم و چه هفته به هفته، همه ما به ارتباط تازه ای با خدا از طریق کلام او نیاز داریم. و ما به تیموتائوس نیاز داریم که عمیقاً آموزش دیده و عمیقاً فراخوانده شده و عمیقاً با استعداد است تا خدمتگزاران ما باشند، زیرا همه ما برای خدمت گزاران کلام دعوت نشده ایم. همه ما فراخوانده شده ایم و با استعداد هستیم تا شاگرد باشیم.

اما خدا یک اویکونومیا دارد. او ساختاری برای این کار دارد و در آن ساختار، ما به چوپانانی برای روح خود نیاز داریم. و ما به معلمان برای ذهن و قلب و زندگی مان نیاز داریم.

و آن‌ها کشیشان ما هستند. و ابزار اصلی آن‌ها کتاب مقدس است. این کار توسط خدا نفس می‌کشد و سودآور است.

مفید است. این برای آموزش است، برای سرزنش. قراره چیزهایی بشنویم که دوست نداریم.

این بیشتر برای اصلاح منفی است. این دردناک است اما مثبت است. داریم اصلاح می‌شیم.

و بعد تمرین. و این آموزش یک کلمه انضباط کودک است. یا می‌توانیم بگوییم مثل آموزش یک ژرمن شپرد.

او در شنیدن و عمل کردن مهارت پیدا می‌کند. آموزش برای عدالت تا مرد خدا یا زن خدا، بنده خدا، برای هر کار نیکی کاملاً مجهز باشد. و می‌دانید، در این دو آیت، ما نوعی جام مقدس را داریم که می‌توانیم درباره شاگردی مسیحی بگوییم.

هدف شاگردی مسیحی چیست؟ هدف شاگردی مسیحی این است که با خدا در ارتباط باشیم به گونه‌ای که از طریق کلام خدا کاملاً مجهز باشیم. نه فقط مجهز بلکه کاملاً مجهز برای نه فقط یک کار خوب گاه به گاه، بلکه برای هر کار نیکی که خدا پیش روی ما قرار می‌دهد. و گاهی این فهرست می‌تواند بسیار دشوار باشد.

اما از طریق کتاب مقدسی که به ما خدمت می‌کند، البته توسط روح القدس و همچنین خدمتگزاران خدا مانند تیموتائوس، می‌توانیم کافی باشیم. ما می‌توانیم کاملاً برای آن کارهای نیک مجهز باشیم. و این یک نکته بسیار بلند و قوی است که فصل سوم دوم تیموتی با آن به پایان می‌رسد.

این دکتر رابرت دبلیو. یاربرو است در تدریس خود درباره نامه‌های شبانی و آموزش رسولی برای رهبران شبانی و پیروانشان. جلسه ۱۰، ۲ تیموتائوس ۲:۲۲-۳:۱۷.